

بازخوانی قصه ابزورد «ماه و پلنگ»

ابوذر کریمی



عنوان کتاب: ماه می خواهد پلنگ را
بدزدد، پلنگ می خواهد ماه را بدزدد
نویسنده: نوید سیدعلی اکبر
تصویرگر: ندا عظیمی
ناشر: شرکت انتشارات علمی فرهنگی
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۴ صفحه
بها: ۱۸۰۰ تومان

داستان «ماه می خواهد پلنگ را بدزدد، پلنگ می خواهد ماه را بدزدد»، بازخوانی فانتزی و نسبتاً شیرین افسانه کهن «ماه و پلنگ» است. در افسانه‌ای قدیمی، پلنگ در شبی که قرص ماه کامل است، روی بلندترین پرتگاه می‌رود تا ماه را بگیرد و هنگامی که برای گرفتن ماه جست می‌زند، به ته پرتگاه می‌افتد و می‌میرد. این افسانه، با درون‌مایه‌ی تلخ و برداشتی فراقی از عشق که به فنای عاشق می‌انجامد، ساخته و پرداخته شده است. پیش از این، برداشتی دراماتیک و موزون نیز از این افسانه شده که هر چند ادعای کودکانه بودن دارد، بعضاً برای بزرگسالان نیز تلخ و ملال‌آور است.

نوید سیدعلی اکبر، در بازخوانی خود، تمامی عناصر تلخ و مرگ‌آلود منبع اصلی را تلطیف یا حذف کرده است تا شکلی شاداب و کودکانه از ماجرا به دست دهد. در این بازخوانی، پلنگ صاحب هوایمایی است که مانند بدن خود او، خال خالی است و با این فکر که ماه را بدزدد، به نزدیکی ماه می‌رود. هجو افسانه کهن، با وارد کردن عنصر هوایما و این که پلنگ خلبان است، تصویری کودکانه از علاقه میان دو موجود ارائه داده است.

پلنگ به ماه می‌گوید که قصد دارد او را بدزدد، ماه هم که از هوایمایی پلنگ خوشش آمده، احساس علاقه به پلنگ می‌کند. سرانجام، ماه که تا آن زمان هوایماسواری نکرده است، کنار پلنگ سوار هوایما می‌شود.

تا این‌جا، در بازخوانی نوید سیدعلی اکبر، می‌توان گفت عناصر نمادین در کنار یکدیگر نشستند و زمینه ادامه‌ی تازه را - جز آن‌چه در روایت کهن قصه «ماه و پلنگ» وجود دارد - فراهم می‌کنند، اما نباید از نظر دور داشت که تصویر عشق در این قصه کودکانه، از بسط یک عشق خیابانی (اصطلاحاً اتو-استاپ) حاصل شده است. ماه به عنوان عنصر مؤنث داستان عشقی، فریفته هوایمایی پلنگ می‌شود؛ چنان که احتمالاً در یک داستان عشقی باسمه‌ای و خیابانی، طرف مؤنث فریفته مدل ماشین پسر می‌شود که برایش بوق می‌زند!

نکته دیگر که جایز اهمیت است، این نکته است که، چه در روایت قدیم این افسانه و چه در روایت جدید، ماه خلاف پیشینه اساطیری‌اش، در جایگاه مؤنث نشسته است. ماه و خورشید به عنوان زوجی که در بسیاری از افسانه‌های کهن در کنار یکدیگر مطرح بوده‌اند، به ترتیب مذکر و مؤنث بوده‌اند. تعبیر امروزی «خوشیدخانوم» نیز از این باور کهن برمی‌آید. هم‌چنین کماکان فرضاً در زبان



عربی «قمر» مذکر مجازی و «شمس» مؤنث مجازی به حساب می‌آیند و حروف و ضمائر تعریف آن‌ها، بر این اساس در نحو جمله قرار می‌گیرند.

ادامه این بازخوانی، به کلی ناامیدکننده است؛ به طوری که از بسط الگوی اتو-استاپ، به تشویش نمادها می‌رسد. در حالی که ماه و پلنگ سوار هواپیمای شان هستند (بخوانید سوار اتومبیل آخرین مدل شان) و ماه سرش را از پنجره بیرون آورده است و ستاره‌ها برای شان دست تکان می‌دهند، ناگهان پاسبان‌های آسمان از راه می‌رسند و پلنگ را به جرم دزدیدن ماه «دستگیر می‌کنند» (بخوانید مأموران منکرات، این عشق خیابانی را ناکام می‌گذارند)!

در تعریف نماد همواره گفته می‌شود که می‌باید هر نماد در سطح اول قصه، جوابگوی نظام نشانه‌شناختی روایت باشد. به عنوان مثال، چنان‌چه به جای پاسبان‌های آسمان، ستاره‌ها این کار را انجام می‌دادند، تا حدی توازن نشانه‌شناختی متن حفظ می‌شد.

پاسبان‌ها پلنگ را زندانی می‌کنند و ماه را به آسمان می‌فرستند. ماه به خاطر احساس تنهایی، پشت ابر پنهان می‌شود و احساس می‌کند که دوستدار پلنگ است و می‌خواهد او را تصاحب کند. بدین ترتیب، ماه نقشه‌ای می‌کشد و شربتی را برای پاسبان‌ها می‌برد و در شربت، «قرص لالایی» می‌ریزد. پاسبان‌ها که فکر می‌کنند ماه آن‌ها را دوست دارد، شربت را می‌خورند و به خواب می‌روند. پلنگ از زندان فرار می‌کند و هنگامی که پاسبان‌ها به دنبالش می‌آیند، در آسمان پشت سر ماه پنهان می‌شود. این البته بعد از آن است که پس از فرار از زندان، باز هم ماه را سوار هواپیمایش می‌کند و در آسمان «ویراژ می‌دهد»!

این‌جا داستان، در واقع کارکردی جز لوژ کردن نمادها و روایت کهن ندارد و البته این وظیفه را به خوبی در شرایط عدم انسجام ساختاری به انجام می‌رساند. پس از شنیدن این قصه اتو-استاپ، مخاطب منتظر آن است که عشقی که با چنین مخاطراتی روبه‌رو شده است، دست کم در قصه به سرانجام شیرین و وصال طرفین بینجامد، اما ماه و پلنگ هواپیما را کنار دریا پارک می‌کنند و ماه به آسمان برمی‌گردد و پلنگ کنار دریا می‌ماند. بعدها دل ماه به دریا می‌افتد و تبدیل به ماهی می‌شود. پلنگ هم با ماهی‌ها بازی و با ماه احساس نزدیکی می‌کند!

این پایان شگفت‌انگیز، پیش از آن شما را با یک خرده داستان عجیب دیگر غافلگیر کرده است: ماه شب‌های بعد هم برای آن که پاسبان‌ها از او ناراحت نباشند، برای شان شربت می‌برد، اما در شربت آن‌ها قرص لالایی نمی‌اندازد! این داستان، تمثیلی بی‌نظیر برای نشان دادن ثبات رأی در عشق است. دست کم پاسبان‌ها که شخصیت‌های منفی این تمثیل شکسته بسته هستند، نقش خود را به تمامی محقق نمی‌کنند. ماجرای آشفته، به کارگیری بی‌حساب نمادها در تمثیل و بلا تکلیفی نویسنده، داستانی ایزورد را برای کودکان به ارمغان می‌آورد که مشخص نیست کودک مخاطب، چه نتیجه‌ای باید از آن بگیرد.

در کنار متن پریشان این کتاب، نباید از تصویرسازی بدیع ندا عظیمی، به آسانی گذشت. عظیمی با به‌کارگیری تکنیک بریده مقوا، طرح‌هایی جالب و دیدنی برای این کتاب ساخته است که سادگی کودکانه آن‌ها، در کنار تنوع استفاده از رنگ‌ها، به این کتاب جذابیت بصری بخشیده است. استفاده از رنگ سرد برای ماه که منبع نور است و رنگ گرم برای پلنگ که می‌باید منبع شور و حرارت عاشقانه تلقی شود، در این طرح‌ها جالب توجه است.



**نوید سیدعلی اکبر،
در بازخوانی خود،
تمامی عناصر
تلخ و مرگ‌آلود
منبع اصلی را
تلطیف یا
حذف کرده است
تا شکلی شاداب و
کودکانه از ماجرا
به دست دهد.
در این بازخوانی،
پلنگ صاحب
هواپیمایی است که
مانند بدن خود او،
خال‌خالی است و
با این فکر که
ماه را بدزدد،
به نزدیکی ماه
می‌رود.**